

Comparative Analysis of Goals and Policies of Higher Education in Canada, Australia, Italy, Qatar and the United Arab Emirates

Gholamreza Zakersalehi *¹ Ahmad Keykha²

1- Professor, Institute for Research & Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

(Corresponding Author: Gh.Zakersalehi@irphe.ac.ir)

2- Ph.D., Department of Educational Planning Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

In this article, the policies and goals of higher education in several selected countries have been analyzed and compared, and the appropriateness of these policies for Iran has been examined from the point of view of their desirability and localization. In the framework of the research, the goals and macro policies of the selected countries have been calculated and then their commonalities and differences have been identified. The results showed that: Australia acts in line with the approaches and policies of the Commonwealth of Nations (in line with Great Britain). In these countries, higher education has emerged as a profitable industry. As it is in England, which is the leader of this group of countries. Italy behaves within the framework of EU policies and the implementation of the Bologna process. This process has created the European Higher Education Area under the Lisbon Convention. Canada has its own policies and programs, and in the framework of internationalization, it was able to pursue its goals regarding the international mobility of professors and students and gaining wealth through innovation, even during the Corona era. This country intends to be a leader in innovation and the central core of that is the universities. Qatar and the UAE are looking for a rapid scientific leap by relying on regional facilities and advice from the United States and England, and their higher education system is still state-run. Finally, from the point of view of the degree of desirability and the possibility of localization, the various policies and goals of these countries were ranked by higher education experts.

Keywords: Higher Education Policies, Higher Education Goals, Comparative Higher Education, Friedman Test, Comparative Method.

How to Cite this Paper:

Zakersalehi, Gh. & Keykha, A. (2024). **Comparative Analysis of Goals and Policies of Higher Education in Canada, Australia, Italy, Qatar and the United Arab Emirates.** *Journal of Science & Technology Policy*, 16(4), 1-20. {In Persian}.

Doi: 10.22034/JSTP.2024.11468.1684





تحلیل تطبیقی اهداف و سیاست‌های آموزش عالی در کانادا، استرالیا، ایتالیا، قطر و امارات متحده عربی

غلامرضا ذاکر صالحی^{#۱} ID، احمد کیخا^۲

۱- استاد گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

(نویسنده عهده‌دار مکاتبات: Gh.Zakersalehi@irphe.ac.ir)

۲- دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران.

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل و مقایسه سیاست‌ها و اهداف آموزش عالی کشورهای کانادا، استرالیا، ایتالیا، قطر و امارات متحده عربی پرداخته و تناسب این سیاست‌ها برای ایران از منظر میزان مطلوبیت و بومی‌سازی آنها بررسی شده است. در چارچوب پژوهش، اهداف و سیاست‌های کلان کشورهای انتخاب شده مورد احصاء قرار گرفته و سپس وجوه اشتراک و افتراق آنها مشخص شده است. نتایج نشان داد که استرالیا همسو با رویکردها و سیاست‌های کشورهای مشترک المنافع (همسو با بریتانیای کبیر) عمل می‌کند یعنی آموزش عالی به مثابه یک صنعت پرسود ظهور یافته است، همچنانکه در انگلستان که رهبر این مجموعه کشورهاست چنین است. ایتالیا در چارچوب سیاست‌های اتحادیه اروپا و تحقق فرآیند بولونیا رفتار می‌کند. این فرایند منطقه آموزش عالی اروپا را تحت کنوانسیون لیسبون ایجاد کرده است. کانادا سیاست‌ها و برنامه‌های خاص خود را دارد و در چارچوب بین‌المللی شدن توانست حتی در دوران کرونا اهداف خود را در مورد تحرک بین‌المللی استادان و دانشجویان و کسب ثروت از طریق نوآوری دنبال کند. این کشور قصد دارد در نوآوری پیشرو باشد و هسته مرکزی آن دانشگاه‌ها هستند. قطر و امارات بدنبال جهش علمی سریع با اتکا به امکانات منطقه‌ای و مشاوره آمریکا و انگلستان هستند و نظام آموزش عالی آنها هنوز دولتی است. در پایان، از منظر میزان مطلوبیت و امکان بومی‌سازی، سیاست‌ها و اهداف متنوع این کشورها توسط متخصصان آموزش عالی با ابزار پرسشنامه و آزمون فریدمن رتبه‌بندی شدند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های آموزش عالی، اهداف آموزش عالی، آموزش عالی تطبیقی.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

ذاکر صالحی، غلامرضا، کیخا، احمد. (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی اهداف و سیاست‌های کلان آموزش عالی در کانادا، استرالیا، ایتالیا، قطر و امارات متحده عربی. *سیاست علم و فناوری*، ۱۶(۴)، ۱-۲۰.

Doi: 10.22034/JSTP.2024.11468.1684



۱- مقدمه

با توجه به اینکه سرمایه انسانی تحصیل کرده به عنوان یکی از عوامل اساسی و تأثیرگذار در فرآیند رشد اقتصادی مطرح شده، تمایل به سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش افزایش یافته است. سالیان زیادی است که موضوع سرمایه‌گذاری در آموزش عالی با توجه به نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع مورد بحث بوده است [۱]. رونق و شکوفایی هر نظامی با سیستم آموزشی آن پیوند خورده است. در جوامع توسعه‌یافته، آموزش و نهادهای آموزشی به عنوان راهبرهای اصلی توسعه شناخته می‌شوند. بررسی توسعه بدون توجه به سرمایه‌گذاری گسترده در نظام آموزش عالی به نظر ممکن نیست، زیرا این سرمایه‌گذاری نقش اساسی در تحقق توسعه فراگیر و پایدار دارد. با این حال، مهمترین نکته این است که تأثیر این سرمایه‌گذاری خود متأثر از متغیرهای متعددی است. به عبارت دیگر، اثربخشی این سرمایه‌گذاری نه تنها به میزان سرمایه‌گذاری بستگی دارد، بلکه از نظر نحوه عملکرد نظام آموزش عالی نیز تأثیرگذار است. بنابراین، نه تنها مقدار سرمایه‌گذاری، بلکه نحوه استفاده و کارکرد نظام آموزشی نقش اساسی در توسعه متنوع کشورها ایفا می‌کند. این نگاه بر مبنای سیاست‌ها، رویکردها و اولویت‌های دولت‌ها نسبت به نظام آموزشی قرار دارد و از این‌رو، پیوند نظام آموزشی با توسعه به وضوح مشاهده می‌شود [۲]. بنابراین، پژوهش و بررسی وضعیت آموزش عالی در کشورهای مختلف و نحوه عملکرد نظام آموزش عالی آنها به عنوان یک سیستم باز و تحت تأثیر عوامل متنوع می‌تواند به شکل تطبیقی نقشه‌ای متقن و دقیق ارائه دهد که در بهینه‌سازی کارکردها و کارویژه‌های نظام آموزش عالی ایفای نقش نماید. مطالعه تطبیقی، قابلیت ارزیابی مسائل و مشکلات را از منظر مقایسه‌ای فراهم می‌آورد و می‌تواند افق تحلیلی و گسترده‌ای را به تطبیق‌گران و به ویژه سیاست‌گذاران باز کند تا با دیدگاه روشن‌تری از تجربیات دیگر کشورها استفاده

کنند تا به تقویت پایه علمی و ارتقاء اعتبار سیاست‌های پیشنهادی منجر گردد [۳].

در واقع، مطالعات تطبیقی در زمینه آموزش عالی به بررسی گسترده و مقایسه‌ای از موضوعات خاص پرداخته و شباهت‌ها و تفاوت‌های هر پدیده در زمینه‌های مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهند. این نه تنها به توسیع دیدگاه در مورد مسائل مورد نظر کمک می‌کند، بلکه باعث شناخت عمیق‌تر و درک جامع‌تری از این پدیده می‌شود. اهمیت این مطالعات در زمینه آموزش عالی از این جهت مشهود است که با در نظر گرفتن آموزش عالی به عنوان یک سیستم در تعامل با زیرسیستم‌ها و محیط خود، شناخت دقیق اجزای آن و بهبود کارایی آن‌ها (از طریق تشخیص نقاط قوت و ضعف) منجر به پیشرفت سایر زیرسیستم‌ها و محیط می‌شود. به علاوه، این گونه مطالعات به تصمیم‌گیران کمک می‌کنند تا با در نظر گرفتن تجارب و آزمون و خطاهای دیگر کشورها در حوزه آموزش عالی، سیاست‌های موثری را بدون هدررفت منابع و هزینه فرصت تدوین و اجرا کنند. این مطالعات با ارائه شناخت دقیقی از پدیده مورد مطالعه، شرایط مناسبی را برای نقد و تحلیل آن فراهم می‌سازند و یافته‌های کاربردی و جامع، به خصوص در زمینه سیاست‌گذاری آموزش عالی، ارائه می‌دهند [۴]. مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل تطبیقی اهداف و سیاست‌های کلان آموزش عالی کشورهای فوق است، چراکه آموزش عالی متغیر کلیدی توجیه‌کننده تفاوت در میزان رشد و توسعه کشورها در کنار سایر متغیرها می‌باشد. هر کشوری به فراخور نیازها و اولویت‌های ملی، شرایط جغرافیایی و ساختارهای تصمیم‌گیری رویکردهای مختلفی در پیش می‌گیرد. این رویکردها باعث ایجاد وجوه افتراق در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی و هدف‌گذاری آن می‌شود. نظام آموزش عالی ایران نیز در کنار نقاط مثبت، دارای ضعف‌هایی نیز در سیاست‌گذاری آموزش عالی بوده است که منجر به بروز پیامدهای منفی همچون: بیکاری

بازخوردگیری و عدم ارزیابی عملکرد نهادهای سیاستگذار بوده است [۸].

لذا در وهله نخست کسب اطلاع از برنامه‌ها و سیاست‌های آموزش عالی کشورهای مختلف (منطقه/جهان) و سپس مطالعه تطبیقی و رصد و پایش تحولات آن‌ها اهمیت دارد، باید یک رصدخانه دائمی بنا کنیم. بر این اساس، هدف از پژوهش پیش‌رو، معرفی و مقایسه سیاست‌ها و اهداف آموزش عالی در کشورهای منتخب (کانادا، استرالیا، ایتالیا، قطر و امارات متحده عربی) در چهار قاره جهان می‌باشد. اصلی‌ترین پرسش‌های این مطالعه بدین قرار است:

- اهداف و سیاست‌های کلان آموزش عالی این پنج کشور چیستند؟
- چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در اهداف و سیاست‌های آموزش عالی در کشورهای منتخب مشهود است؟
- چه درس‌هایی از محورهای فوق برای آموزش عالی ایران می‌توان فراگرفت؟

۲- مبانی مفهومی

لوتان کوی^۱ معتقد است: یک نظام آموزشی در معنای کلاسیک آن با غایت‌ها، سازماندهی اداری، ساختارهای آموزشی، محتواها، روش‌ها و کارگزاران خود مشخص می‌شود. برنامه‌ها زاییده غایت‌هایی هستند که از آموزش و پرورش انتظار می‌رود، غایت‌هایی که خود به ایدئولوژی حاکم بر جامعه وابسته‌اند [۹]. غایت‌های آشکار معمولاً در قالب قوانین اساسی، نطق‌های عمومی، قوانین و برنامه‌های توسعه یا آموزش و پرورش بیان می‌شوند ولی هر نظام سیاسی دارای غایت‌های ویژه‌ای است که ممکن است آشکارا بیان نشود. در موارد دیگر غایت‌ها به شرایط تاریخی و فرهنگی کشور بستگی دارد. اهداف به افق‌های نزدیک‌تر مربوط می‌شوند و کیفی‌اند. یک غایت می‌تواند چند هدف را شامل شود و یک هدف می‌تواند چند مقصد را در

دانش‌آموختگان [۵]، گسست بین دانشگاه و صنعت [۶]، ضعف در استقلال دانشگاه [۷] و غیره شده است. لیکن، درس‌گیری از زیست‌آموده‌های کشورهای مختلف در زمینه سیاست‌ها و اهداف آموزش عالی می‌تواند در طراحی نقشه راه سیاست‌گذاری آموزش عالی ایران بسیار موثر باشد. هنگامی که در بحبوحه بحران کووید-۱۹ دولت کانادا سیاست «درخانه خود، دانشجوی ما باشید» را اعلام کرد، آموزش عالی ایران سرگرم رفع و رجوع مشکلات نرم‌افزاری سامانه‌های مجازی خود بود. هنگامی که کشور امارات شهر دانش (قریه المعرفة) را افتتاح کرد، اهمیت شکار فرصت‌ها برای جذب دانشجویان بین‌المللی برای سیاستگذار ایرانی روشن نبود. اهداف و سیاست‌های آموزش عالی در ایران ایستا و کاغذی هستند. مساله محققان این است که سیاست امری پویا و نوشونده است. لذا اهداف و راهبردهای مندرج در نقشه جامع علمی کشور که در سال ۱۳۸۹ منتشر شده‌اند، اکنون موضوعیت خود را از دست داده‌اند. در بسیاری از کشورها در ایام بحران کووید-۱۹ این سیاست‌ها بازنگری و تحت عنوان دوران پسا کرونا مدون و اعلام شدند. بازبینی دائم سیاست‌ها و برنامه‌ها البته باید نیم‌نگاهی به الف) رقبا در منطقه ب) نظام‌های آموزش عالی پیشرفته جهان داشته باشد. احکام قانونی برنامه‌های ششم و هفتم توسعه نیز سیاست نیستند، بلکه تکالیف اجرایی دستگاه‌های دولتی در یک بازه زمانی مشخص اند. سیاست امری فراتر از قوانین و مقررات بوده و ریشه در ارزش‌ها و مشی تاریخی یک ملت دارد. سیاست‌گذاری آموزشی در ایران و از جمله زیرشاخه آن یعنی آموزش عالی از کمبودها و آسیب‌هایی رنج می‌برد؛ از جمله آسیب‌های شناسایی شده در چرخه سیاست‌گذاری در آموزش عالی ایران، شامل؛ کم‌توجهی به نیازسنجی و مسائل جامعه در تدوین سیاست‌ها، عدم مشارکت ذی‌نفعان در تدوین سیاست‌ها، کم‌توجهی به امکان‌سنجی و ضعف در برنامه عملیاتی برای اجرای سیاست‌ها، کم‌توجهی به ارزیابی سیاست‌ها و

^۱ Le Thanh Khoi

آموزشی در طیف گسترده‌ای از موسسات و در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی انجام می‌شود. سیاست آموزشی گاهی زیرمجموعه سیاست اجتماعی و سیاست عمومی در نظر گرفته می‌شود [۱۳].

در مطالعه حاضر از میان انبوه تجارب کشورها در حوزه سیاست آموزشی، چهار موضوع حکمرانی، بین‌المللی‌شدن، تضمین کیفیت و تامین مالی بیشتر مورد توجه قرار گرفت، هرچند سیاست‌های دیگر نیز گزارش شد. این موضوعات از گزارش فیلیپ آلتباخ^۱ و همکارانش [۱۴] به سازمان یونسکو الهام گرفته است و علاوه بر توصیف روندهای آموزش - عالی جهانی در این چهار موضوع به موضوعات دیگر همچون: فناوری اطلاعات، تجربه دانشجویان، دسترسی و عدالت، و پژوهش نیز پرداخته است. اما به لحاظ اهمیت این چهار مقوله در اسناد بالادستی و قوانین توسعه سوم تا هفتم کشور، استخراج اهداف و سیاست‌های کشورها در این مقوله‌ها برای پژوهشگران این مطالعه در اولویت قرار گرفت.

۳- پیشینه پژوهش

با توجه به ظرفیت محدود مقاله تنها به بیان چند پژوهش جدید در این زمینه اکتفا می‌کنیم: ذاکر صالحی و کیخا [۴] در تحقیقی با عنوان «*رزیابی مقایسه‌ای سیاست‌های کلان آموزش عالی در کشورهای منتخب*» نشان می‌دهند که میان کشورهای مختلف در اجرای سیاست‌های کلان آموزش عالی تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. به عنوان مثال، در هلند، اتخاذ سیاست‌های تضمین کیفیت همراه با جلب استانداردهای بین‌المللی، به عنوان یکی از نقاط تمایز مهم مطرح شده است. در فرانسه، تاکید بر جذب دانشجویان بین‌المللی از کشورهای درحال توسعه به عنوان یک عنصر اساسی طرح‌ریزی سیاست‌ها آمده است. در سنگاپور، ارتقاء دانشگاه‌ها به رده کلاس جهانی مورد تاکید قرار گرفته است.

بربگیرد. در یک نظام اجتماعی معین غایت‌ها کم و بیش دائمی هستند درحالی که اهداف و مقاصد می‌توانند برحسب شرایط خاصی تغییر کنند [۹]. کوی ادامه می‌دهد "محتوای آموزشی به طور مستقیم از اهداف کلی نظام و مقاصد یک رشته در هر سطحی که باشد سرچشمه می‌گیرد. با این وصف محتوا می‌تواند از این اهداف فاصله بگیرد، زیرا حتمیت مطلق وجود ندارد و یک فلسفه معین می‌تواند تفسیرهای متفاوتی را در زمینه‌های مختلف، در یک مرحله یا در مراحل متفاوت توسعه اقتصادی ارائه دهد" [۹].

اما سیاست می‌تواند یک متن، یک گفت‌وگو، یک فرایند و یا یک برنامه تلقی شود. در گفتارها و یا منابع عمومی نظیر فرهنگ لغت، سیاست یک برنامه عمومی برای اقدام و عمل راهبردی توسط دولت یا سازمان گفته می‌شود. با این وجود در منابع علمی تعاریف متفاوتی از سیاست ارائه شده است [۱۰]. سیاست آموزش عالی به سیاست آموزشی برای مؤسسات آموزش عالی مانند دانشگاه‌ها، به ویژه نحوه سازماندهی، تامین مالی و عملکرد آنها در یک جامعه اشاره دارد. در اروپا "سه شکل نهادی مختلف ارائه آموزش عالی وجود دارد: نظام آموزشی آنگلوساکسون، قاره‌ای و اسکاندیناوی". هر شکل نهادی مبتنی بر سیاست‌ها و اهداف متمایزی است. سیاست آموزشی شامل اصول و تصمیمات سیاستی است که بر حوزه آموزش و پرورش و همچنین مجموعه قوانین و قواعد حاکم بر عملکرد سیستم‌های آموزشی تأثیر می‌گذارد [۱۱]. سیاست آموزشی ممکن است بین دولت محلی، ایالتی و فدرال در سطوح مختلف به اشتراک گذاشته شود. برخی از تحلیلگران، سیاست‌های آموزشی را بخشی از مهندسی اجتماعی می‌بینند [۱۲] در واقع، سیاست آموزشی به دنبال پاسخگویی به پرسش‌هایی در مورد اهداف آموزشی (اجتماعی و شخصی) که برای دستیابی به آنها طراحی شده است، روش‌های دستیابی به آنها و ابزارهای اندازه‌گیری موفقیت یا شکست آنها است. تحقیقات در نظر گرفته شده برای اطلاع‌رسانی سیاست‌های

^۱ Altbach

بررسی تطبیقی انجام دادند که معیارهای ارتقای اعضای هیئت علمی در آموزش عالی را در نتایج خود، با معیارهای مشابه در آیین‌نامه‌های پیشنهادی مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه به تحلیل معیارها در ۳۵ دانشگاه از کشورهای مختلف شامل ترکیه، افریقای جنوبی، ایرلند، لبنان، نیوزیلند، کانادا، امریکا، انگلستان و استرالیا پرداخته و پیشنهادهایی به منظور جلب توجه به جنبه‌های آموزشی فعالیت‌های اعضای هیئت علمی، و همچنین تأکید بر اثرگذاری فعالیت‌های علمی و پژوهشی در سطح جامعه ارائه نموده است. این پیشنهادها با هدف جامعیت و تعمیق بیشتر معیارهای آیین‌نامه مورد بحث، به ویژه در زمینه مدیریت آموزشی و تحقیقاتی، ارائه گردیده‌اند.

کانجو و همکاران [۱۸] در یک مطالعه تطبیقی با عنوان "بررسی تطبیقی توسعه آموزش عالی در افغانستان، ایران و ترکیه"، نشان می‌دهند که نظام آموزش عالی افغانستان در سال‌های اخیر گام‌های مهمی را به منظور افزایش دسترسی دانشجویان به تحصیلات عالی اتخاذ کرده است. با این حال، از نظر کیفیت و عوامل مؤثر بر آن، از جمله تعداد اعضای هیات علمی با مدرک دکترا، زیرساخت‌ها، تجهیزات آموزشی و تولید علم، در طی سه دهه گذشته با وضعیت نامناسبی مواجه بوده است. در زمینه کارکردهای سه‌گانه آموزش عالی، به عنوان تولید، تحول، و نشر علم، نظام آموزش عالی ایران به پیشرفت‌های معنی‌داری دست یافته است. اما به نظر می‌رسد که این نظام از دو سیاست اصلی، یعنی تولید دانش و کاربرد علم در جامعه، دور شده و به طور اساسی تمرکز خود را بر روی انتقال دانش - از طریق گسترش کمی آموزش و افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان - قرار داده است. نظام آموزش عالی ترکیه نیز با ایجاد ساختارهای آموزشی گسترده، افزایش تأکید بر آموزش فنی-حرفه‌ای، بهبود نرخ ثبت نام نیروی کار ماهر در آموزش عالی، افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق و توسعه، و بهبود شاخص‌های کلان برای دستیابی به آمادگی

در مالزی، اصلاحات نوآورانه در سیستم مالی دانشگاه‌ها همراه با تبدیل آن به قطب آموزش عالی در منطقه مورد توجه قرار گرفته است. در جنوب آفریقا، سیاست‌ها به منظور ایجاد برابری، دسترسی عادلانه و افزایش عدالت در زمینه آموزش عالی اجرا شده است. همچنین، در عربستان سعودی، سیاست‌های حکمرانی شرکتی در زمینه آموزش عالی به عنوان یک جنبه مهم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ویژگی‌های مشترک این سیاست‌های کلان شامل حکمرانی مشارکتی، افزایش استقلال دانشگاه، توسعه مالی بر اساس عملکرد، تطابق بازارکار با سیستم آموزش عالی، و افزایش بودجه تحقیقات دانشگاهی است. کیخا و ذاکر صالحی [۱۵] در پژوهشی دیگر، به بازنمایی تطبیقی چشم‌انداز و سیاست‌های نهاد آموزش عالی در هفت کشور جهان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داده‌اند که جریان‌های قوی مانند بین‌المللی شدن، تضمین کیفیت، ارتباط با صنعت، استقلال فزاینده دانشگاه‌ها و تحول در شیوه‌های سنتی حکمرانی دانشگاهی، دیگر به صورت یکپارچه ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته محسوب نمی‌شوند. این جریان‌ها به عنوان ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی نه تنها در نظام‌های غربی بلکه در نظام‌های شرقی از جمله چین و ژاپن و همچنین کشورهای در حال گذار چون ایران و روسیه نیز قابل مشاهده هستند. تفاوت‌های ملموس نیز وجود دارد که علاوه بر تأثیرات تاریخی و فرهنگی، به فاز و مرحله‌ی توسعه و توان علم و فناوری هر کشور مرتبط می‌شوند. محمدی و همکاران [۱۶] در یک تحقیق که به بررسی ۷۰ نهاد ارزشیابی و تضمین کیفیت در ۶۰ کشور جهان اختصاص یافته‌اند، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در ۶۴ درصد از نهادهای مورد بررسی، فرایندهای تضمین کیفیت ماهیت اجباری دارند، در حالی که ۲۷ درصد از این نهادها از ماهیت داوطلبانه در این فرآیندها بهره‌مند هستند. همچنین، در ۹ درصد از نهادها، هر دو فرآیند داوطلبانه و اجباری به کار گرفته می‌شود. محمدی دوستدار و میرحسینی [۱۷] در تحقیق خود، یک

ملی که توسط نگارندگان مقاله حاضر درحال انجام است تاکنون ۱۹ کشور مختلف در پنج قاره جهان مورد مطالعه و مقایسه و تحلیل قرار گرفته است.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع هدف کاربردی و از نظر روش اجرا یا شیوه گردآوری داده‌ها براساس رویکرد آمیخته از نوع متوالی اکتشافی انجام شده است. در آغاز به احصا اهداف و سیاست‌ها بصورت کیفی و در ادامه از طریق پرسشنامه به اولویت‌بندی آنها از دیدگاه خبرگان به صورت کمی پرداخته شده است.

۴-۱ بخش کیفی

بخش کیفی مشتمل بر دو مرحله است. در مرحله اول با استفاده از الگوی جورج بردی [۴] سیاست‌ها و اهداف کشورهای مورد نظر گردآوری شدند. جورج بردی استاد دانشگاه کلمبیا از بنیانگذاران مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش است. الگوی وی یکی از متداول‌ترین و مناسب‌ترین الگوهای مطالعه تطبیقی به شمار می‌رود. استفاده از الگو در مطالعات تطبیقی کمک می‌کند یافته‌ها نظام‌مندی و سازمان‌یافتگی بهتری داشته باشند. علاوه بر این، الگوی از پیش تعریف شده کمک می‌کند تا میزان تفسیرپذیری یافته‌ها افزایش یابد. در پژوهش حاضر در ادامه مطالعات پیشین محققان، کشورهای مطالعه شدند که دارای نظام‌های آموزش عالی نسبتاً خوب بوده و برای کشور ما دارای نکات آموزنده باشند. در این مرحله از کار دو کشور مهم غرب آسیا یک کشور از قاره آمریکا، یک کشور از اقیانوسیه و یک کشور اروپایی که دارای اهمیت زیادی برای ایران هستند انتخاب شده‌اند. با توجه به اینکه در چارچوب مطالعه بلندمدت محقق، تمام کشورهایی که نظام آموزش عالی خوبی دارند یا در منطقه سند چشم‌انداز ایران قرار دارند مطالعه شده یا می‌شوند عملاً نمونه‌گیری احتمالی نداریم. بلکه نمونه غیراحتمالی و هدفمند از نوع موارد

فناوری جلب کرده و در مقایسه با افغانستان و ایران، پیشنهادی مشاهده می‌شود.

ذاکر صالحی و کیخا [۱۹] در پژوهشی با عنوان «ریاضتی تطبیقی در اهداف آموزش عالی کشورهای منتخب» به مطالعه چند کشور پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌داد مهمترین اهداف مشترک شامل؛ افزایش مبادلات بین‌المللی، برون‌سپاری بیشتر فعالیت‌ها به بخش خصوصی، پی‌جویی فرصت‌های شغلی دانش‌آموختگان، توسعه سرمایه‌گذاری و حمایت‌های مالی، توجه به دسترسی همگانی، انطباق و همزمانی با بازار کار می‌شد. کانیهال [۲۰] در پژوهشی با عنوان «قدرت تصمیم‌گیری و منطق نهادی در موسسات آموزش عالی: تحلیل مقایسه‌ای دانشگاه‌های اروپایی» به این نتیجه رسید که قدرت فشارهای مدیریت دولتی جدید (NPM) به شدت بر اتخاذ شیوه‌های مدیریتی در دانشگاه‌ها تأثیر می‌گذارد، اما تأثیر معناداری بر ویژگی‌های تحصیلی ندارد. تریونتی [۲۱] در مطالعه‌ای با عنوان طبقه‌بندی در آموزش عالی و رابطه آن با نابرابری اجتماعی: مطالعه تطبیقی ۱۱ کشور اروپایی به این نتیجه رسید که تحصیلات والدین به شدت بر احتمال فارغ‌التحصیلی در یک برنامه طولانی تأثیر می‌گذارد، اما نه انتقال به دوره دکترا. در اکثر کشورها، تحصیلات والدین با فارغ‌التحصیلی در یک موسسه عالی و یک رشته تحصیلی معتبر ارتباط مثبت دارد. کاپانو [۲۲] در پژوهشی به تغییرات نقش دولت در شیوه حکمرانی آموزش عالی چند کشور جهان پرداخت و به این نتیجه رسید که در کشورهای انگلیس، آلمان، ایتالیا و هلند دولت کماکان به مداخله خود ادامه می‌دهد و در هیچ یک کشورها دولت قدرت سیاست‌گذاری خود را در آموزش عالی از دست نداده است، بلکه شیوه‌های هدایت آموزش عالی را تغییر داده است.

باعنایت به مرور پیشینه مطالعات، مطالعه نظام‌مندی درخصوص اهداف و سیاست‌های کلان کشورهای مهم جهان درحوزه آموزش عالی منتشر نشده است. در مطالعه

کلیدی احصاء شدند. سپس مفاهیم کلیدی بر اساس وجوه اشتراک و افتراق بررسی و متمایز شدند. این فرایند در قالب الگوی چهار مرحله‌ای جورج بردی [۴] انجام شد. این الگو شامل چهار مرحله: توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه می‌باشد. در مرحله اول به توصیف اهداف و سیاست‌های آموزش عالی کشورهای منتخب پرداخته شد. در مرحله دوم، به تفسیر مفاهیم کلیدی و مقوله‌های استخراج شده پرداخته شد که به دلیل محدودیت تعداد کلمات مقاله از آوردن جداول آن امتناع شد. در مرحله سوم و چهارم این اهداف و سیاست‌ها در کنار هم قرار گرفتند و وجوه اشتراک و افتراق آن استخراج و بازنمایی شد. جامعه مورد مطالعه در این بخش، پنج کشور: استرالیا، کانادا، ایتالیا، امارات متحده عربی و قطر بودند. علت انتخاب کشورها این است که این پژوهش در ادامه طرح بلندمدتی در زمینه آموزش عالی تطبیقی است. در این طرح پژوهشی بلندمدت تاکنون ۱۹ کشور مهم مطالعه شده‌اند. کشورهایی تا کنون مطالعه شدند که دارای نظام‌های آموزش عالی نسبتاً خوب بوده و برای کشور ما دارای نکات آموزنده باشند. در این مرحله از کار دو کشور مهم غرب آسیا یک کشور از قاره آمریکا، یک کشور از اقیانوسیه و یک کشور اروپایی که دارای اهمیت زیادی برای ایران هستند انتخاب شده‌اند. بنابراین مطالعه حاضر فاقد نمونه‌گیری احتمالی است. یک نمونه غیراحتمالی و هدفمند^{۱۵} با توجه به اهداف مطالعه و آشنایی عمیق محققان و مطالعات پیشین و نظر ناظر علمی طرح و مشورت با متخصصان انتخاب شد. در تداوم این مطالعات سایر نظام‌های آموزش عالی مهم بررسی خواهند شد.

۴-۲ بخش کمی

در بخش کمی، با طراحی دو پرسشنامه اهداف و سیاست‌های منتخب از نظر میزان مطلوبیت و امکان‌پذیری بومی‌سازی بررسی شدند. برای بررسی روایی محتوایی

مطلوب است که باتوجه به اهداف طرح و آشنایی عمیق محققان با موضوع تحقیق و مطالعات پیشین و نظر ناظر علمی طرح و مشورت با متخصصان انتخاب شده‌اند. جدول ۱ نشان می‌دهد همه کشورهای منتخب در این مطالعه ویژگی خاص و برنامه‌های مشخص و آموزنده‌ای را در سطح کلان دنبال می‌کنند:

بدین منظور، با رویکرد مرور نظام‌مند^۱ به جستجوی پایگاه‌ها و وبگاه وزارت‌خانه‌های آموزشی کشورهای مذکور پرداخته شد. افزون بر این با کلیدواژه‌های: سیستم آموزش عالی ایتالیا^۲، کانادا^۳، استرالیا^۴، امارات متحده عربی^۵ و قطر^۶ در پایگاه‌های مقالات (ساینس دایرکت^۷، اشپرینگر^۸، ویلی آنلاین^۹، اریک^{۱۰}، سیج^{۱۱}، امرالد^{۱۲}) در بازه زمانی مشخص (۲۰۱۰-۲۰۲۳) جستجو به عمل آمد. برای انتخاب منابع مناسب روش نمونه‌گیری همراه با داوری (قضای^{۱۳}) از میان مطالعات انجام شده، مقالاتی برگزیده شدند. به سخنی روشن‌تر، منابع به گونه‌ای هدفمند و همسو با چارچوب مطالعاتی برگزیده شدند. که به‌عنوان راهبرد دست‌چین^{۱۴} نیز در مطالعات فراترکیب شناخته می‌شود [۲۳]. مطالعات منتخب بر اساس همسویی با چارچوب مفهومی پژوهش و کمک به غنای این چارچوب انتخاب شدند. جدید بودن مقالات و گزارشات نیز برای محقق مهم بود. در میان این منابع ۲۲۷ سند مربوط به کانادا، ۱۸۵ سند از استرالیا، ۹۱ سند از ایتالیا، ۳۵ سند از امارات و ۷ سند از کشور قطر مورد بازبینی و مطالعه قرار گرفت. پس از شناسایی و انتخاب منابع کلیدی، منابع چندین بار بازخوانی شدند. ابتدا مفاهیم

¹ Systematic review

² Italy Higher Education System

³ Canada Higher Education System

⁴ Australia higher education system

⁵ United Arab Emirates higher education system

⁶ Qatar Higher Education System

⁷ Science Direct

⁸ Springer

⁹ Wiley Online Library

¹⁰ ERIC

¹¹ Sage Journals

¹² Emerald

¹³ Judgmental Sampling

¹⁴ Berry picking Strategy

¹⁵ Purposive sample

جدول (۱) نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر

قاره	کشور	ویژگی آموزش عالی
اقیانوسیه	استرالیا	چرخش در جذب دانشجویان بین‌المللی و رشد و توسعه ملی از رهگذر جذب دانشجویان بین‌المللی
اروپا	ایتالیا	همسویی با فرآیند بولونیا: ارتقاء تحرک بین‌المللی دانشجویی، گردش آزاد کار و شناخت علمی بین‌المللی
امریکای شمالی	کانادا	کشوری با آموزش عالی مستقل در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با برخورداری از نرخ بالای مشارکت در آموزش عالی، با این حال در حال گذار به سمت آموزش عالی خصوصی است
	امارات	همسویی نظام آموزش عالی با بازار کار و پرورش دانش‌آموختگان همسو با نیازهای بازار کار جهت رفع نیازهای ملی و منطقه‌ای
آسیا	قطر	جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان توأم با رشد پر شتاب آموزش عالی در مسیر دانش‌بنیانی همگام با نگاهی به توسعه آموزش عالی بین‌المللی و تبدیل شدن به قطب منطقه‌ای در شبکه‌های جهانی آموزش عالی

(۱) ساختار حکمرانی دانشگاهی؛ (۲) سازوکارهای تامین مالی؛ (۳) ارزیابی و تضمین کیفیت و (۴) بین‌المللی شدن آموزش عالی پرداخته شده است. بر اساس جدول ۲، کشور کانادا از نظر تولید ناخالص داخلی بالاترین رتبه را در بین این پنج کشور دارد. در جایگاه دوم و سوم به ترتیب ایتالیا و استرالیا جای گرفتند.

جدول (۲) مقایسه کشورهای منتخب در میزان تولید ناخالص داخلی [۲۴]

کانادا	ایتالیا	استرالیا	قطر	امارات
رتبه اول	رتبه دوم	رتبه سوم	رتبه پنجم	رتبه چهارم

مطابق جدول ۳ کشور قطر و امارات متحده عربی بالاترین میزان مشارکت نیروی کار را به خود اختصاص داده‌اند. مطابق جدول ۴ در میان کشورهای منتخب، در مقایسه شاخص نوآوری کشور کانادا بالاترین میزان، سپس به ترتیب کشور استرالیا و ایتالیا قرار گرفته‌اند.

جدول (۳) مقایسه کشورهای منتخب بر اساس نرخ مشارکت نیروی کار [۲۵]

کشور	نرخ مشارکت نیروی کار	رتبه
قطر	۸۶.۲۸	۱
امارات متحده عربی	۸۰.۹۵	۲
استرالیا	۶۴.۸۹	۳
کانادا	۶۳.۹۱	۴
ایتالیا	۴۸.۴۰	۵

پرسشنامه از نظر خبرگان استفاده شده است. گویه‌های پرسشنامه چندباره مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. برای بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی پرسشنامه اهداف آموزش عالی ۰/۹۳ و پایایی پرسشنامه سیاست‌های آموزش عالی ۰/۹۶ بود. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی را خبرگان آموزش عالی در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل می‌دهند که دارای حداقل ۵ سال سابقه علمی و حداقل یک اثرمکتوب مرتبط به حوزه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی بوده‌اند. از این میان، ۳۶ نفر از خبرگان از میان ۵۰ پرسشنامه توزیع شده به پرسشنامه پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون فریدمن و نرم افزار تحلیل آماری SPSS استفاده شد.

۵- یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به پرسش نخست مطالعه به توصیف و تبیین وضعیت کلی توان اقتصادی و علمی کشورهای منتخب می‌پردازیم. در ابتدا به مقایسه شاخص‌های اقتصادی و علمی کشورهای مورد مطالعه می‌پردازیم. این شاخص‌ها مشتمل بر مقایسه کشورهای منتخب بر اساس میزان تولید ناخالص داخلی، نرخ مشارکت نیروی کار، بر اساس شاخص نوآوری، شاخص‌های توسعه‌انسانی و وضعیت کشورهای مورد مطالعه در رتبه‌بندی بین‌المللی علوم می‌باشند. سپس به مقایسه تطبیقی کشورها در معیارهای:

جایگاه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. مطابق جدول ۶ در بررسی کشورهای منتخب از منظر رتبه‌بندی بین‌المللی علوم (بر اساس H-Index) کشور ایتالیا بالاترین رتبه، سپس استرالیا و کانادا قرار دارند. جدول ۷ و ۸ نیز به مقایسه تطبیقی ساختار حکمرانی دانشگاهی و بررسی تطبیقی سازوکارهای تامین مالی آموزش عالی پرداخته شده است.

جدول ۴) مقایسه کشورهای منتخب بر اساس شاخص نوآوری [۲۵]

رتبه	شاخص نوآوری	کشور
۱	۵۳.۱۰	کانادا
۲	۴۸.۳۰	استرالیا
۳	۴۵.۷۰	ایتالیا
۴	۴۳.۰۰	امارات متحده عربی
۵	۳۱.۵۰	قطر

در بررسی شاخص‌های توسعه انسانی (جدول ۵) در کشورهای منتخب، کشور کانادا، استرالیا، ایتالیا به ترتیب

جدول ۵) مقایسه کشورهای منتخب بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی [۲۶]

کشورها	شاخص‌های توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	میانگین سال تحصیلی	درآمد ناخالص ملی سرانه
کانادا	۰.۹۲۹	۸۲.۴	۱۳.۴	۴۸,۵۲۷
استرالیا	۰.۹۴۴	۸۳.۴	۱۲.۷	۴۸,۰۸۵
ایتالیا	۰.۸۹۲	۸۳.۵	۱۰.۴	۴۲,۷۷۶
قطر	۰.۸۴۸	۸۰.۲	۹.۷	۹۲,۴۱۸
امارات متحده عربی	۰.۸۹۰	۷۸.۰	۱۲.۱	۶۷,۴۶۲

جدول ۶) مقایسه کشورهای منتخب بر اساس وضعیت کشورهای مورد مطالعه در رتبه‌بندی بین‌المللی علوم [۲۷]

کشور	اسناد	اسناد قابل قبول	استاد	استاد به خود	نقل قول‌ها در هر سند	شاخص H
ایتالیا	۲۳۵۳۴۰۷	۲۱۲۴۴۸۴	۵۴۸۸۴۷۶۸	۱۲۱۴۷۰۳۸	۲۳.۳۲	۲۰.۷۷
کانادا	۲۲۸۱۸۶۵	۲۰۳۷۷۳۴	۶۶۱۶۶۸۷۵	۱۰۵۳۵۸۱۴	۲۹.۰۰	۱۴۶۰
استرالیا	۱۸۷۷۶۲۹	۱۶۴۹۷۸۴	۵۰۰۵۱۴۴۰	۹۲۵۷۲۶۳	۲۶.۶۶	۱۲۷۶
امارات	۱۰۳۸۴۸	۹۵۹۴۲	۱۳۶۷۳۵۵	۱۴۳۰۲۸	۱۳.۱۷	۲۹۵
قطر	۴۸۸۸۵	۴۵۰۸۰	۸۷۷۱۴۰	۸۲۲۹۶	۱۷.۴۹	۲۵۹

جدول ۷) مقایسه تطبیقی ساختار حکمرانی دانشگاهی (منبع: یافته‌های پژوهش)

کشور	حکمرانی مشارکتی	حکمرانی شرکتی	حکمرانی متمرکز (دولتی)	حکمرانی مخلوط (تلفیق دولت و دانشگاهیان)
کانادا				*
استرالیا		*		
ایتالیا	*			
امارات متحده عربی			*	
قطر			*	

جدول ۸) بررسی تطبیقی سازوکارهای تامین مالی آموزش عالی در کشورهای منتخب (منبع: یافته‌های پژوهش)

کشور	قلمرو جغرافیایی	کشگر اصلی تامین مالی	منابع و سازوکارها
کانادا	آمریکای شمالی	خانوار و بخش خصوصی	وام دهی (بازپرداخت خانوار) و شهریه و مشارکت بخش خصوصی
استرالیا	اقیانوسیه	دولت و خانوار	شهریه، مشارکت و حمایت زیاد دولت (از بودجه عمومی)
ایتالیا	جنوب اروپا	بخش خصوصی	مشارکت بخش خصوصی
قطر	جنوب غرب آسیا	دولت	بودجه عمومی
امارات متحده عربی	جنوب غرب آسیا	دولت	بودجه عمومی

برنامه‌درسی، پذیرش، استانداردها و دیگر جنبه‌های کلیدی آموزش عالی عمدتاً در سطح ملی و اغلب از طریق یک سازمان دولتی یا وزارتخانه تعیین شده مسئول آموزش اتخاذ می‌شود.

در جدول ۹ نظام ارزیابی و تضمین کیفیت کشورهای مورد مطالعه در دو بخش الف: قلمرو ب- نهاد مسئول ارزیابی باهم مقایسه شده‌اند.

(جدول ۱۰) در الگوی بین‌المللی شدن در خانه (At home) استاد و دانشجوی بین‌المللی در همان کشور جذب می‌شود تا زیرساخت‌های بین‌المللی شدن تقویت شده و آن کشور بعنوان مقصد برتر نخبگان علمی شناخته شود. اما در بین‌المللی شدن در خارج از خانه (Abroad) از طریق اعطای بورس و تسهیلات دیگر این نیروها به کشورهای دارای نظام آموزش عالی پیشرفته اعزام می‌شوند تا پس از بسط توانایی‌های خود برای خدمت به وطن خود باز گردند.

حکمرانی آمالگام تلفیقی از بخش دولتی و دانشگاه است. حکمرانی شرکتی یک سیستم مدیریتی و نظارتی در یک شرکت یا سازمان است که به منظور بهبود عملکرد شرکت و حفظ منافع سهامداران، کارکنان، مشتریان، اقشار مختلف جامعه و سایر ذینفعان طراحی می‌شود. حکمرانی مشارکتی، یک مدل حکومتی و مدیریتی است که در آن شهروندان، جوامع محلی، و اقشار مختلف جامعه به فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی و مدیریت سازمان‌ها و منابع عمومی مشارکت می‌کنند. در حکمرانی مشارکتی، افراد و گروه‌های مختلف از اجتماع در تصمیم‌گیری‌های مهم مشارکت دارند و تأمین حقوق شهروندان به عنوان ذینفعان اصلی تأکید می‌شود. حکمرانی متمرکز در آموزش عالی به سیستمی اطلاق می‌شود که در آن دولت ملی یا مرکزی کنترل و اختیار قابل توجهی بر موسسات و سیاست‌های آموزش عالی دارد. در چنین سیستمی، تصمیمات مربوط به بودجه،

جدول ۹) تحلیل تطبیقی تجارب کشورها در زمینه ارزیابی و تضمین کیفیت (منبع: یافته‌های پژوهش)

ردیف	کشور	قلمرو ارزیابی			نهاد مسئول ارزیابی
		درونی	بیرونی	ترکیبی	
۱	کانادا	*			ترکیبی/کمیسونی *
۲	استرالیا			*	غیر دولتی/انجمنها
۳	ایتالیا		*		
۴	قطر		*	*	
۵	امارات متحده عربی		*	*	

جدول ۱۰) بررسی تطبیقی بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در کشورهای منتخب (منبع: یافته‌های پژوهش)

ردیف	کشور	رویکرد بین‌المللی‌شدن		افق بین‌المللی‌شدن آموزش عالی	
		بین‌المللی‌شدن در خانه	بین‌المللی‌شدن خارج از خانه	میان مدت	بلندمدت
۱	کانادا	*			*
۲	استرالیا	*			*
۳	ایتالیا	*		*	
۴	قطر		*		*
۵	امارات متحده عربی		*	*	

آموزش عالی هر کشور بازنمایی شده است. اهداف کلان مقدم بر سیاست‌ها و نمایانگر افق‌های بلندمدت سیستم آموزش عالی هر کشور هستند. هر کشور بنا به اقتضائات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اهدافی را ترسیم و جهت تحقق آن‌ها سیاست‌های را ریل‌گذاری می‌کند.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش پس از تحلیل محتوای کیفی اسناد و مقالات بدست آمده در دو بخش اهداف و سیاست‌ها نتایج مطالعه ارائه شده است. در ادامه جدول ۱۱ به وجوه اشتراک و افتراق اهداف آموزش عالی کشورهای مورد مطالعه می‌پردازد. در این جدول دسته‌بندی از اهداف مشترک و متفاوت در نظام

جدول ۱۱) مقایسه تطبیقی-تحلیلی اهداف کشورهای مورد مطالعه (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

وجوه اشتراک اهداف آموزش عالی	وجوه افتراق اهداف آموزش عالی
توجه ویژه به چالش‌های زیست محیطی در آینده: همگام شدن با فضای رقابتی جهانی: پرورش با استعدادترین، مبتکرترین و سازگارترین نیروی کار: توسعه دوره‌های مهارت آموزی برای دانشجویان: افزایش تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی در مقطع تحصیلات تکمیلی: گسترش برنامه‌های بین‌المللی‌شدن: توسعه سازوکارها برای جذب دانشجویان بین‌المللی: تهیه بانک اطلاعاتی از عرضه و تقاضا دانش‌آموختگان در آموزش عالی: ایجاد پیوند بین دانش‌آموختگان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی: ارتقا کیفیت تحقیقات دانشگاهی: توسعه حکمرانی مستقل در دانشگاه‌های و موسسات پژوهشی: توسعه سازوکارهای حمایتی از پژوهشگران: توسعه زیرساخت‌های تحقیقات دیجیتال: نهادینه سازی قوانین حقوق مالکیت معنوی: توسعه مشارکت دانشگاه دولتی و خصوصی در انجام تحقیقات: حمایت گسترده از کسب و کارهای دانش‌آموختگان: تعریف چارچوب قانونی برای قیمت گذاری در شهریه: توسعه سازوکارهای توسعه مالی دانشگاه‌ها: توسعه سیستم ملی اعتبارسنجی برای تضمین کیفیت آموزش عالی: تمرکز بر کاهش نابرابری: توسعه مستمر اعضای هیئت علمی: توسعه بودجه‌ریزی عملکرد محور: پرورش شهروندی فعال: ترویج فرهنگ گفتگو: توسعه تیم سازی و کار تیمی: یادگیری تحول آفرین: توسعه مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها: افزایش سرمایه‌گذاری در نظام آموزش عمومی و عالی: توسعه نوآوری در تحقیقات دانشگاهی: توسعه کیفیت تحقیقات دانشگاهی:	کانادا: وجود و توسعه اکوسیستم های نوآوری، سهم بیشتر در پروژه های دانشگاه های کلاس جهانی، وجود فرهنگ نوآوری و تعالی، برخورداری از اکوسیستم تحقیقاتی استرالیا: وجود تنوع فرهنگی در سیستم آموزش عالی، داشتن سهم مطلوب در تولید دانش جهانی، سیستم آموزش عالی همسو با نیازها اقتصادی، توانمندبودن دانشجویان مناظر با نیازهای آینده ایتالیا: غلبه رویکرد سیستمی در توسعه آموزش های شهروندی، توسعه یافتگی مدیریت سیستم پرورش استعداد، نظام آموزش فنی و حرفه ای نوین و توسعه یافته، برخورداری همه دانشجویان از مهارت های دیجیتال، آموزش بزرگسالان، سطح مطلوب رفاه دانشگاهیان قطر: وجود تعاملات موثر با ذینفعان ملی و بین‌المللی، به حداکثر رساندن تاثیر ملی و جهانی آموزش عالی، تحول در نظام آموزش عالی امارات: پرورش دانش‌آموختگان با سبک زندگی اسلامی، حفظ میراث عربی و اسلامی، وجود نگرش اخلاقی در دانش‌آموختگان، برخورداری از شهروندان مولد، توسعه یافتگی مهارت های اجتماعی دانش‌آموختگان، نهادینه شدن فرهنگ کار

در ادامه در جدول ۱۲ وجوه اشتراک و افتراق سیاست‌های آموزش عالی کشورهای مورد مطالعه تشریح شده است. همانگونه که از جدول پیداست، برخی از سیاست‌ها اختصاصاً مربوط به آموزش عالی هر کشور است و برخی دیگر از سیاست‌ها در آموزش عالی کشورها مشترک است. به طور کلی، سیاست‌ها بازنمود جهت‌گیری کلی نظام آموزش عالی آن کشور می‌باشد که متاثر از جریانات غالب در حکمرانی آن کشور است. در پاسخ به پرسش سوم پژوهش (چه آموزه‌ها و درس‌هایی از محورهای فوق برای آموزش عالی ایران می‌توان

فراگرفت؟) نتایج دیدگاه سنجی خبرگان ارائه می‌شود. در این مرحله سیاست‌ها و اهداف احصاء شده در قالب دو پرسشنامه از نظر میزان مطلوبیت و امکان‌پذیری بومی‌سازی آن‌ها از دیدگاه خبرگان آموزش عالی ایران بررسی شدند. نتایج این بخش نیز در قالب دو بخش اهداف و سیاست‌های آموزش عالی تشریح شده است؛ در جدول ۱۳ نتایج مربوط به اهداف آموزش عالی در کشورهای منتخب تشریح شده است. برای تعیین رتبه اهداف از آزمون فریدمن استفاده شده است.

جدول ۱۲) مقایسه تطبیقی-تحلیلی سیاست‌های کشورهای مورد مطالعه (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

وجوه اشتراک سیاست‌گذاری آموزش عالی	وجوه افتراق سیاست‌گذاری آموزش عالی
<p>سیاست‌گذاری در نوآوری در تحقیقات دانشگاهی: سیاست افزایش سرمایه‌گذاری مالی در تحقیقات دانشگاهی: ایجاد شبکه در سیاست گذاری آموزش عالی: سرمایه‌گذاری در نیروی کار تحصیلکرده تر برای رقابت اقتصادی جهانی: تخصیص بودجه عملکردمحور در آموزش و پژوهش: سازوکارهای تشویقی برای شبکه سازی همکاری دانشگاه‌ها با هم و بخش خصوصی: توزیع ظرفیت و فعالیت پژوهشی در دانشگاه‌ها: توسعه سیستم بازاریابی در آموزش عالی: باز تعریف سیاست‌های بین‌المللی شدن با توجه به چالش‌های پیش رو: افزایش کیفیت آموزش آنلاین: توسعه سیاست‌های برای دیجیتالی سازی آموزش عالی: سیاست‌گذاری با توجه به تغییرات ساختاری در بازار کار: کاهش شکاف دیجیتال و اطمینان از دسترسی همگانی: همکاری مستمر دانشگاه با صنعت همگام با ارائه مشوق‌های مالیاتی جهت تحقیق و توسعه: سیاست‌های تحولی برابری و دسترسی خانواده‌های کم برخوردار به آموزش عالی: شبکه سازی بین‌المللی در تحقیقات دانشگاهی: جهت‌گیری تحقیقات دانشگاهی به سمت مسائل جهانی: انجام تحقیقات کاربردی: افزایش مشارکت بخش خصوصی در تامین مالی آموزش عالی: همگرایی نظام آموزش عالی با بازار کار: توسعه مکانیزم‌های تضمین کیفیت توأم با ترویج فرهنگ کیفیت با رویکرد بین‌المللی: توسعه ظرفیت استقلال سازمانی دانشگاه‌ها: ارزیابی کیفیت تحقیقات دانشگاهی: توسعه مشارکت دانشگاه‌ها در جامعه محلی و منطقه ای: پرورش نیروی کار برای اقتصاد آینده:</p>	<p>کانادا: توسعه سیاست فدرالیسم نرم (اعمال نفوذ به جای اقتدار در مدیریت دانشگاه‌ها): توجه به تنوع ماهیت دانشگاه‌ها در سیاست‌گذاری: سیاست نظارتی برای نهادینه سازی اخلاق پژوهشی: سیاست افزایش خصوصی سازی و نقش بازار در آموزش عالی: نهادینه سازی سیاست پایداری در آموزش عالی.</p> <p>استرالیا: نوآوری در سیاست‌های آموزش های فنی و حرفه‌ای: سرمایه‌گذاری و توجه ویژه دولتی به آموزش های فنی و حرفه‌ای: تنوع بخشی به منابع مالی از طریق دانشجویان بین‌المللی: جذب مستعد ترین دانشجویان بین‌المللی؛ حکمرانی شرکتی: تسهیل قوانین مهاجرتی در آموزش عالی</p> <p>ایتالیا: سیستمی مدیریتی مبتنی بر مدیریت عمومی جدید: توسعه سیستم‌های ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها: یکپارچه سازی سیستم بین‌المللی شدن آموزش عالی: نوآوری در برنامه‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی: حکمرانی مشارکتی: اصلاح نظام جذب اعضای هیئت علمی</p> <p>قطر: ایجاد شهر آموزش قطر: افزایش پردیس های بین‌المللی دیگر کشورها در قطر: ترویج گفت‌وگوهای میان رشته ای: ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی منطقه ای: آموزش های کارآفرین</p> <p>امارات: توسعه مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی: استانداردسازی برنامه‌های آموزشی و درسی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی: توسعه مهارت‌های اشتغال پذیری فارغ التحصیلان: توسعه بورسیه های تحصیلی برای دانشجویان اماراتی: همگامی آموزش عالی با نیازهای توسعه ای کل منطقه خلیج فارس: توسعه منابع انسانی: پرورش دانش‌آموختگان بر اساس ارزش‌های اسلامی و میراث عربی: توسعه دیپلماسی فرهنگی آموزش عالی</p>

در جدول ۱۴ امکان‌پذیری بومی‌سازی اهداف استخراج شده از منظر خبرگان واکاوی شده است.

جدول ۱۴) رتبه‌های امکان‌پذیری بومی‌سازی اهداف

امتیاز/میانگین	امکان‌پذیری بومی‌سازی اهداف از نظر خبرگان
۱۷.۵۷	بهبود وضعیت دسترسی دانشجویان به ویژه دانشجویان کم برخوردار از طریق اقدامات کمک دانشجویی (کانادا)
۱۶.۶۱	وجود و توسعه اکوسیستم‌های نوآوری (کانادا)
۱۵.۹۳	وجود نگرش اخلاقی در دانش‌آموختگان (امارات)
۱۵.۵۷	نهادینه شدن فرهنگ کار (امارات)
۱۵.۵۳	برخورداری همه دانشجویان از مهارت‌های دیجیتال (ایتالیا)
۱۵.۳۳	ارتقاء منافع علمی و مالی کانادا در سطح بین‌المللی در رابطه با آموزش عالی (کانادا)
۱۵.۳۳	داشتن سهم مطلوب در تولید دانش جهانی (استرالیا)
۱۵.۲۲	حفظ میراث عربی و اسلامی (امارات)
۱۵.۲۱	برخورداری از شهروندان مولد (امارات)
۱۵.۰۷	توانمندبودن دانشجویان متناظر با نیازهای آینده (استرالیا)
۱۵.۰۰	توسعه یافتگی مهارت‌های دانش‌آموختگان (امارات)
۱۴.۸۶	وجود تعاملات موثر با ذینفعان ملی و بین‌المللی (قطر)
۱۴.۷۴	سطح مطلوب رفاه دانشگاهیان (ایتالیا)
۱۴.۵۷	توسعه یافتگی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموختگان (امارات)
۱۴.۵۳	پرورش دانش‌آموختگان با سبک زندگی اسلامی (امارات)
۱۴.۳۶	برخورداری از اکوسیستم تحقیقاتی (کانادا)
۱۴.۲۲	وجود فرهنگ نوآوری و تعالی (کانادا)
۱۴.۲۲	وجود تنوع فرهنگی در سیستم آموزش عالی (استرالیا)
۱۴.۰۱	نظام آموزش فنی و حرفه‌ای نوین و توسعه یافته (ایتالیا)
۱۳.۸۵	تحول در نظام آموزش عالی (قطر)
۱۳.۷۲	تعالی تحقیقات (استرالیا)
۱۳.۳۵	سیستم آموزش عالی همسو با نیازها اقتصادی (استرالیا)
۱۳.۳۳	به حداکثر رساندن تاثیر ملی و جهانی آموزش عالی (قطر)
۱۳.۳۲	رقابت و پاسخگویی بیرونی (امارات)
۱۳.۱۱	غلبه رویکرد سیستمی در توسعه آموزش‌های شهروندی (ایتالیا)
۱۲.۷۹	سهم در پروژه‌های دانشگاه‌های کلاس جهانی (کانادا)
۱۲.۶۸	آموزش بزرگسالان (ایتالیا)
۱۱.۹۶	توسعه یافتگی مدیریت سیستم پرورش استعداد (ایتالیا)

بر اساس جدول ۱۳ رتبه سه هدف: بوم‌سازگان تحقیقاتی، وضعیت دسترسی دانشجویان به ویژه دانشجویان کم‌برخوردار از طریق اقدامات کمک دانشجویی و فرهنگ نوآوری و تعالی بالاترین میانگین بود.

جدول ۱۳) رتبه‌های میزان مطلوبیت اهداف

امتیاز	میزان مطلوبیت اهداف از نظر خبرگان
۱۷.۳۶	برخورداری از اکوسیستم تحقیقاتی (کانادا)
۱۷.۰۳	بهبود وضعیت دسترسی دانشجویان به ویژه دانشجویان کم برخوردار از طریق اقدامات کمک دانشجویی (کانادا)
۱۶.۷۴	وجود فرهنگ نوآوری و تعالی (کانادا)
۱۶.۵۱	وجود تعاملات موثر با ذینفعان ملی و بین‌المللی (قطر)
۱۶.۴۰	برخورداری از شهروندان مولد (استرالیا)
۱۶.۰۰	وجود نگرش اخلاقی در دانش‌آموختگان (استرالیا)
۱۵.۹۰	ارتقاء منافع علمی و مالی کانادا در سطح بین‌المللی در رابطه با آموزش عالی (کانادا)
۱۵.۲۲	نظام آموزش فنی و حرفه‌ای نوین و توسعه یافته (ایتالیا)
۱۵.۲۲	برخورداری همه دانشجویان از مهارت‌های دیجیتال (ایتالیا)
۱۵.۲۱	برخورداری از شهروندان مولد (امارات)
۱۵.۱۵	به حداکثر رساندن تاثیر ملی و جهانی آموزش عالی (قطر)
۱۵.۰۱	توسعه یافتگی مهارت‌های دانش‌آموختگان (امارات)
۱۴.۹۷	توسعه یافتگی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموختگان (امارات)
۱۴.۹۰	: تعالی تحقیقات (استرالیا)
۱۴.۸۱	توسعه یافتگی مهارت‌های دانش‌آموختگان (امارات)
۱۴.۶۰	تحول در نظام آموزش عالی (قطر)
۱۴.۵۴	وجود تنوع فرهنگی در سیستم آموزش عالی (استرالیا)
۱۴.۵۴	نهادینه شدن فرهنگ کار (امارات)
۱۴.۴۶	سهم بیشتر در پروژه‌های دانشگاه‌های کلاس جهانی (کانادا)
۱۴.۳۱	وجود نگرش اخلاقی در دانش‌آموختگان (امارات)
۱۴.۲۹	وجود و توسعه اکوسیستم‌های نوآوری (کانادا)
۱۴.۰۱	داشتن سهم مطلوب در تولید دانش جهانی (استرالیا)
۱۳.۸۵	سطح مطلوب رفاه دانشگاهیان (ایتالیا)
۱۲.۹۲	توسعه یافتگی مدیریت سیستم پرورش استعداد (ایتالیا)
۱۱.۶۰	غلبه رویکرد سیستمی در توسعه آموزش‌های شهروندی (ایتالیا)
۱۰.۹۳	آموزش بزرگسالان (ایتالیا)
۱۰.۴۹	پرورش دانش‌آموختگان با سبک زندگی اسلامی (امارات)
۹.۰۱	به حداکثر رساندن تاثیر ملی و جهانی آموزش عالی (امارات)

از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی امکان‌پذیری بومی‌سازی سیاست‌ها استفاده شد. آزمون فریدمن نشان داد که از نظر پاسخگویان، اهمیت و رتبه امکان‌پذیری بومی‌سازی سیاست‌های مطرح شده با یکدیگر متفاوت است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که مهمترین سیاست‌ها از نظر امکان‌پذیری بومی‌سازی از نظر پاسخ‌دهندگان، پنج مورد، ۱- سرمایه‌گذاری و نوآوری در نظام فنی و حرفه‌ای، ۲- توسعه برنامه‌های آموزشی و درسی بین‌المللی، ۴- ایجاد فرهنگ نوآوری در دانشگاه‌ها، توسعه فرهنگ همکاری تحقیقاتی بین موسسات دولتی و خصوصی، ۵- توسعه مکانیزم‌های ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها است. اکنون باتوجه به یافتن وجوه مشترک، پیشنهاداتی برای نحوه تحقق دو هدف مشترک و دو سیاست مشترک در قالب جداول ۱۵ تا ۲۰ ارائه می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

به دلیل سرعت فرآیند بین‌المللی شدن روز به روز نظام‌های آموزش عالی به هم نزدیک و شبیه می‌شوند. این موضوع بر تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان در تعریف خط مشی‌ها، اهداف و سیاست‌ها اثر مهمی می‌گذارد. با این وجود، کشورها با توجه به بافتار تاریخی، ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اهداف و سیاست‌های ویژه و متفاوتی را ترسیم می‌کنند که بازکاوی و تحلیل این سیاستها و اهداف بر اهمیت مضاعف مطالعات تطبیقی صحت می‌گذارد.

در این پژوهش مهمترین وجوه افتراق و اشتراک سیاست‌ها و اهداف کشورهای منتخب احصاء و بر اساس نظرات خبرگان از منظر میزان مطلوبیت و بومی‌سازی آنها در ایران بررسی شدند. کلیدی‌ترین علل تفاوت‌ها از این قرار است:

از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی نظر پاسخگویان در مورد امکان‌پذیری بومی‌سازی اهداف استفاده شد. آزمون فریدمن نشان داد که از نظر پاسخ‌دهندگان، اهمیت و رتبه امکان‌پذیری بومی‌سازی اهداف مطرح شده با یکدیگر متفاوت هستند و از ارزش و اهمیت متفاوتی برخوردارند از نظر امکان‌پذیری تحقق اهداف، پنج هدف زیر به ترتیب بالاترین الویت را به خود اختصاص داده‌اند:

- اولویت ۱- بهبود دسترسی دانشجویان به ویژه دانشجویان کم برخوردار از طریق اقدامات کمک دانشجویی (کانادا)
- اولویت ۲- وجود و توسعه اکوسیستم‌های نوآوری (کانادا)
- اولویت ۳- وجود نگرش اخلاقی در دانش‌آموختگان (امارات)
- اولویت ۴- نهادینه‌شدن فرهنگ کار (امارات)
- اولویت ۵- برخورداری همه دانشجویان از مهارت‌های دیجیتال (ایتالیا)

همچنین با کنار هم نهادن سیاست‌های مطلوب و سیاست‌های امکان‌پذیر دو سیاست مشترک یافت شد که از نظر پاسخگویان هم مطلوبند و هم امکان‌پذیری اجرا با توجه به بافتار ایران را دارند.

در جدول ۱۶ سیاست‌های آموزش عالی کشورهای مورد مطالعه از منظر میزان مطلوبیت بیان شده و از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مطلوبیت سیاست‌ها استفاده شد. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که مطلوب‌ترین سیاست‌ها از نظر پاسخ‌دهندگان، به ترتیب عبارتند از: ۱- سیاست‌گذاری با توجه به شرایط و ماهیت و کارکرد هر دانشگاه، ۲- جذب کارآفرینان و دانشجویان برتر بین‌المللی، ۳- تغییر ساختارهای آموزش عالی متناظر با تغییر روند جمعیتی کشور در آینده، ۴- نظارت بر نظام پژوهشی (از نظر اخلاق، کاربرد و نیازمحوری)، ۵- توسعه فرهنگ نوآوری در آموزش عالی.

در جدول ۱۷ امکان‌پذیری بومی‌سازی سیاست‌های استخراج شده از منظر خبرگان واکاوی شده است.

جدول (۱۵) اهداف مشترک

اهداف مطلوب	اهداف امکان پذیر	مشترک
برخورداری از اکوسیستم تحقیقاتی (کانادا)	بهبود وضعیت دسترسی دانشجویان به ویژه دانشجویان کم برخوردار از طریق اقدامات کمک دانشجویی (کانادا)	*
بهبود وضعیت دسترسی دانشجویان به ویژه دانشجویان کم برخوردار از طریق اقدامات کمک دانشجویی (کانادا)	وجود و توسعه اکوسیستم های نوآوری (کانادا)	*
وجود فرهنگ نوآوری و تعالی (کانادا)	وجود نگرش اخلاقی در دانش آموزان (امارات)	
وجود تعاملات موثر با ذینفعان ملی و بین المللی (قطر)	نهادینه شدن فرهنگ کار (امارات)	
برخورداری از شهروندان مولد (استرالیا)	برخورداری همه دانشجویان از مهارت های دیجیتال (ایتالیا)	

جدول (۱۶) رتبه های میزان مطلوبیت سیاست ها

ردیف	میزان مطلوبیت سیاست ها از نظر خبرگان	امتیاز/میانگین
۱	سیاست گذاری با توجه به شرایط، ماهیت و کارکرد هر دانشگاه (کانادا)	۳۰.۹۰
۲	جذب کارآفرینان و دانشجویان برتر بین المللی (استرالیا)	۲۹.۵۶
۳	تغییر ساختارهای آموزش عالی متناظر با تغییر روند جمعیتی کانادا در آینده (کانادا)	۲۹.۲۸
۴	نظارت بر نظام پژوهشی (اخلاق، کاربرد و نیازمحوری) (کانادا)	۲۸.۹۲
۵	توسعه فرهنگ نوآوری در آموزش عالی (استرالیا)	۲۸.۸۱
۶	اتصال مراکز فناوری و شتاب دهنده ها به دانشگاه ها (قطر)	۲۸.۲۴
۷	ایجاد و توسعه فرهنگ کارآفرینی اجتماعی (کانادا)	۲۸.۱۷
۸	توسعه فرهنگ همکاری تحقیقاتی بین موسسات دولتی و خصوصی (استرالیا)	۲۸.۱۴
۹	تبدیل شدن دانشگاه های امارات به دانشگاه های برتر منطقه (امارات)	۲۷.۸۳
۱۰	ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت (ایتالیا)	۱۷.۷۸
۱۱	مشارکت تخصصی دانشگاه در فرایند توسعه ملی (قطر)	۲۷.۶۰
۱۲	سرمایه گذاری و نوآوری در نظام فنی و حرفه ای (استرالیا)	۱۷.۶۰
۱۳	توسعه مالی دانشگاه ها (تنوع بخشی به منابع درآمدی دانشگاه ها) (استرالیا)	۲۷.۴۶
۱۴	انطباق ساختار اداری متناسب با استانداردهای بین المللی (امارات)	۲۷.۳۶
۱۵	توسعه برنامه های آموزشی و درسی بین المللی (امارات)	۲۷.۳۵
۱۶	پیاده سازی حکمرانی خوب در آموزش عالی (امارات)	۲۷.۱۸
۱۷	توسعه مکانیزم های ارزیابی عملکرد دانشگاه ها (ایتالیا)	۲۶.۹۶
۱۸	سرمایه گذاری انبوه بر روی نوآوری کسب و کارها (کانادا)	۲۶.۹۴
۱۹	جذب بودجه های پژوهشی بین المللی (استرالیا)	۲۶.۹۲
۲۰	بازتعریف قوانین و روایید مهاجرتی (در راستای تسهیل بین المللی شدن آموزش عالی) (استرالیا)	۲۶.۹۰

جدول (۱۷) رتبه های امکان پذیری بومی سازی سیاست ها

ردیف	امکان پذیری بومی سازی سیاست ها از نظر خبرگان	امتیاز/میانگین
۱	سرمایه گذاری و نوآوری در نظام فنی و حرفه ای (استرالیا)	۳۱.۶۴
۲	توسعه برنامه های آموزشی و درسی بین المللی (امارات)	۳۰.۴۲
۳	ایجاد فرهنگ نوآوری در دانشگاه ها (امارات)	۳۰.۲۱
۴	ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی منطقه ای (قطر)	۲۹.۶۸
۵	توسعه فرهنگ همکاری تحقیقاتی بین موسسات دولتی و خصوصی (استرالیا)	۲۹.۶۴
۶	توسعه مکانیزم های ارزیابی عملکرد دانشگاه ها (ایتالیا)	۲۹.۰۰

ردیف	امکان‌پذیری بومی‌سازی سیاست‌ها از نظر خبرگان	امتیاز/میانگین
۷	نظارت بر نظام پژوهشی (اخلاق، کاربرد و نیازمحوری) (کانادا)	۲۸.۹۲
۸	تبدیل شدن دانشگاه‌های امارات به دانشگاه‌های برتر منطقه (امارات)	۲۸.۶۵
۹	مشارکت تخصصی دانشگاه در فرایند توسعه ملی (قطر)	۲۸.۵۱
۱۰	ایجاد و توسعه فرهنگ کارآفرینی اجتماعی (کانادا)	۲۸.۳۶
۱۱	ترویج گفت‌وگوهای بین‌رشته‌ای (قطر)	۲۸.۳۵
۱۲	توسعه مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان (امارات)	۲۷.۸۱
۱۳	توسعه آموزش‌های کارآفرینی (قطر)	۲۷.۷۹
۱۴	استقرار سیستم یاددهی و یادگیری مبتنی بر نوآوری (قطر)	۲۷.۶۱
۱۵	سیاست‌گذاری با توجه به شرایط، ماهیت و کارکرد هر دانشگاه (کانادا)	۲۷.۳۸
۱۶	توجه به روندهای جمعیتی آینده در عرضه و تقاضای آموزش عالی (استرالیا)	۲۷.۲۵
۱۷	توسعه نوآوری‌های اجتماعی (ایتالیا)	۲۷.۰۷
۱۸	توسعه فرهنگ نوآوری در آموزش عالی (استرالیا)	۲۷.۰۱
۱۹	توسعه مدیریت استعداد اعضای هیئت علمی (ایتالیا)	۲۶.۸۳
۲۰	سرمايه‌گذاري انبوه بر روی نوآوری کسب و کارها (کانادا)	۲۶.۵۸

جدول ۱۸) سیاست‌های مشترک

سیاست‌های مطلوب	سیاست‌های امکان‌پذیر	مشترک
سیاست‌گذاری با توجه به شرایط، ماهیت و کارکرد هر دانشگاه و منطقه (کانادا)	سرمايه‌گذاري و نوآوری در نظام فنی و حرفه‌ای (استرالیا)	
جذب کارآفرینان و دانشجویان برتر بین‌المللی (استرالیا)	توسعه برنامه‌های آموزشی و درسی بین‌المللی (امارات)	
تغییر ساختارهای آموزش عالی متناظر با تغییر روند جمعیتی کشور در آینده (کانادا)	ایجاد فرهنگ نوآوری در دانشگاهها (امارات)	*
نظارت بر نظام پژوهشی (اخلاق، کاربرد و نیازمحوری) (کانادا)	ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی منطقه‌ای (قطر)	*
توسعه فرهنگ نوآوری در آموزش عالی (استرالیا)	توسعه فرهنگ همکاری تحقیقاتی بین موسسات دولتی و خصوصی (استرالیا)	

جدول ۱۹) هدف ۱ بهبود وضعیت دسترسی دانشجویان

راهکارها و اقدامات اساسی	دوره زمانی	مجری	همکاران
بهبود وضعیت دسترسی فیزیکی از طریق توزیع مناسب فضایی مراکز آموزش عالی در پهنه سرزمین	دو سال	وزارتین عتف و بهداشت	سازمان برنامه
احداث خوابگاه‌های استاندارد رایگان	۵ سال	وزارتین	خیرین - سازمان برنامه
بهبود دسترسی اقتصادی از طریق پرداخت یارانه ثبت نام	۵ سال	سازمان برنامه	وزارتین
بهبود دسترسی اقتصادی از طریق افزایش نسبت دانشجویان روزانه رایگان	۵ سال	وزارتین	*
بهبود دسترسی اقتصادی از طریق پرداخت یارانه تهیه لوازم آموزشی و کمک آموزشی	۵ سال	سازمان برنامه	وزارتین
بهبود دسترسی اقتصادی از طریق پرداخت کمک هزینه تحصیلی	۵ سال	سازمان برنامه	وزارتین

جدول (۲۰) هدف ۲ وجود و توسعه بوم‌سازگان نوآوری در کشور (اقتباس از [۲۸])

همکاران	مجری	دوره زمانی	راهکارها و اقدامات اساسی
*	وزارت صمت، کشاورزی، کار، عتف	۵ سال	تسهیل یادگیری و جذب نوآوری از خارج
وزارت عتف	وزارت صمت	۵ سال	تقویت مراکز تحقیق و توسعه همزمان با پیش مستمر نیاز و پتانسیل بازار
*	هیات دولت	۵ سال	هماهنگ کردن سیاست صنعتی و سیاست آموزشی و بازار کار
*	وزارت آموزش و پرورش	۵ سال	تلفیق نوآوری در آموزش ابتدایی، دبیرستان وفنی-حرفه‌ای
وزارتین و معاونت علمی	هیات دولت	۵ سال	پویاسازی و هدفمند کردن تعامل دولت- دانشگاه-صنعت
*	هیات دولت	یک سال	مشخص کردن نقش نهادها (دولت-دانشگاه- بخش خصوصی-بنگاهها-مراکز تحقیقات و...)
وزارت آ.پ. وزارت صمت. وزارت بهداشت و....	وزارت عتف،	۵ سال	ارتقای همزمان یادگیری مبتنی بر علم و یادگیری ضمنی مبتنی بر تجربه در جامعه و دانشگاهها و بنگاهها
وزارتین	سازمان برنامه و بودجه	۵ سال	برقراری نظام تامین مالی دانش پایه و حمایت جدی از نوآوری‌ها
وزارت آ.پ. وزارت صمت. وزارت بهداشت و....	وزارت عتف وقوه قضائیه	۵ سال	حمایت از رژیم مالکیت فکری

دوران کرونا اهداف خود را در مورد تحرک بین‌المللی استادان و دانشجویان و کسب ثروت از طریق نوآوری دنبال کند. این کشور قصد دارد در نوآوری پیشرو باشد و هسته مرکزی آن دانشگاه‌ها هستند. قطر و امارات بدنبال جهش علمی سریع با اتکا به امکانات منطقه‌ای و مشاوره امریکا و انگلستان هستند و نظام آموزش عالی آنها هنوز دولتی است. در کنار لایه دولتی، شعب دانشگاه‌های خارجی با منطق بخش خصوصی اداره می‌شوند. این موضوع به ساختار حکمرانی پادشاهی و متمرکز آنها مربوط می‌شود.

در مطالعات تطبیقی دقت نظر در تفاوت‌ها بسیار مهم است. زیرا شباهت‌ها ریشه در جریانات عام بین‌المللی دارند اما تفاوت‌ها ممکن است ریشه تاریخی داشته و به بافتار مرتبط باشند. در این مطالعه، تفاوت سیاست‌ها بصورت خلاصه چنین است:

در کانادا: توسعه سیاست فدرالیسم نرم (اعمال نفوذ به جای اقتدار در مدیریت دانشگاه‌ها): توجه به تنوع ماهیت دانشگاه‌ها در سیاست‌گذاری: سیاست نظارتی برای نهادینه سازی اخلاق

استرالیا همسوبا رویکردها و سیاست‌های کشورهای مشترک المنافع (همسو با بریتانیای کبیر) عمل می‌کند. اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع سازمانی بین‌المللی متشکل از ۵۶ کشور و ایالت‌های مستقل می‌باشد. این سازمان شامل قدیمی‌ترین مستعمرات بریتانیا و سرزمین‌های وابسته به آنها است. در این کشورها آموزش عالی به مثابه یک صنعت پرسود ظهور یافته است. همچنانکه در انگلستان که رهبر این مجموعه کشورهای است. ایتالیا در چارچوب سیاستهای اتحادیه اروپا و تحقق فرآیند بولونیا رفتار می‌کند. فرایند بولونیا به مجموعه‌ای از جلسات و توافقاتی وزراء کشورهای اروپایی اطلاق می‌شود، که در راستای اطمینان حاصل کردن از صلاحیت استانداردها و بالا بردن کیفیت مدارک تحصیلی دانشگاهی کشورهای اروپایی انجام گرفت. این فرایند منطقه آموزش عالی اروپا را تحت کنوانسیون لیسبون ایجاد کرده است. کانادا سیاستها و برنامه‌های خاص خود را دارد و در چارچوب بین‌المللی شدن توانست حتی در

دارند. حکمرانی آموزش عالی مشارکتی‌تر است و بین‌المللی‌شدن درخانه سیاستی الویت داراست. اما در دو کشور کوچک اما بلندپرواز قطر و امارات بجز بخش شعب دانشگاه‌های خارجی که بامنطق بخش خصوصی اداره می‌شوند، هنوز حکمرانی متمرکز دولتی بانظام تامین مالی بخش عمومی و ارزیابی کاملاً دولتی از دانشگاه‌ها متکی بر ارزیابی بیرونی، سودای سرآمدی در منطقه و آغاز محتاطانه مشارکت بخش خصوصی جهت‌گیری اصلی است.

مقایسه اهداف و سیاست‌های مطروحه با ایران نشان می‌دهد برخی اهداف و سیاست‌ها در کشور ایران، با همه کشورهای منتخب و مورد مطالعه مشترک است. مانند: گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی (هدف شماره هشت و سیاست شماره شش) برخی کاملاً برای ایران اختصاصی است. مانند ارتقای جایگاه زبان فارسی و برخی دیگر فقط با کشورهای قطر و امارات مشترک است. مانند: دستیابی به جایگاه اول علم و فناوری درجهان اسلام یا تعامل در منطقه و جهان اسلام (هدف یک و شش و هفت) و سیاست حاکمیت مبانی ارزش‌ها، اخلاق و موازین اسلامی (سیاست سوم). نقطه اشتراک دیگر ما با کشورهای عربی قطر و امارات شعار بلندپروازانه‌ی احراز مرجعیت علمی درجهان است (هدف دو و سیاست یک). البته قطر و امارات به مرجعیت علمی در منطقه خاورمیانه عربی تاکید دارند. اینگونه شعارها در اسناد مکتوب سه کشورکانادا، استرالیا و ایتالیا یافت نشد که جای تامل دارد.

سیاست‌ها و برنامه‌های جاری در پنج کشور مورد مطالعه، معنی دار و مهم‌اند اما دیدگاه خبرگان ایرانی درمورد مطلوبیت و تناسب آنها برای ایران نیز اهمیت دارد.

توصیه نگارندگان برای کشور ایران، مواردی است که خبرگان ایرانی آنها را مطلوب و امکان‌پذیر دانسته‌اند. سیاست‌های مطلوب از دیدگاه خبرگان عبارت‌اند از: سیاست‌گذاری با توجه به شرایط، ماهیت و کارکرد هر دانشگاه، جذب کارآفرینان و دانشجویان برتر بین‌المللی و تغییر ساختارهای آموزش عالی متناظر با تغییر روند جمعیتی کشور در آینده. این موارد را می‌توان برای افق بلندمدت در

پژوهشی: سیاست افزایش خصوصی‌سازی و نقش بازار در آموزش عالی: نهاده‌سازی سیاست پایداری در آموزش عالی. در استرالیا: نوآوری در سیاست‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: سرمایه‌گذاری و توجه ویژه دولتی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: تنوع بخشی به منابع مالی از طریق دانشجویان بین‌المللی: جذب مستعدترین دانشجویان بین‌المللی؛ تعمیق حکمرانی شرکتی: تسهیل قوانین مهاجرتی در آموزش عالی

در ایتالیا: سیستمی مدیریتی مبتنی بر مدیریت عمومی جدید: توسعه سیستم‌های ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها: یکپارچه‌سازی سیستم بین‌المللی‌شدن آموزش عالی: نوآوری در برنامه‌های بین‌المللی‌شدن آموزش عالی: حکمرانی مشارکتی: اصلاح نظام جذب اعضای هیئت علمی

در کشور قطر: ایجاد شهر آموزش قطر، افزایش پردیس‌های بین‌المللی دیگر کشورها در قطر: ترویج گفت‌وگوهای میان رشته‌ای: ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی منطقه‌ای: آموزش‌های کارآفرین

در امارات متحده عربی: توسعه مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی: استانداردسازی برنامه‌های آموزشی و درسی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی: توسعه مهارت‌های اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان: توسعه بورسیه‌های تحصیلی برای دانشجویان اماراتی: همگامی آموزش عالی با نیازهای توسعه‌ای کل منطقه خلیج فارس: توسعه منابع انسانی: پرورش دانش‌آموختگان بر اساس ارزش‌های اسلامی و میراث عربی: توسعه دیپلماسی فرهنگی آموزش عالی [۲۹].

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد کشورهای حاشیه خلیج فارس هنوز در حوزه آموزش توقف دارند باهدف توسعه دسترسی و سپس سرآمدی در منطقه‌ی عربی. اما کشورهایی چون کانادا و استرالیا و ایتالیا با مسائل جدیدتر و پیچیده‌تری چون پژوهش و نوآوری، پایداری، اخلاق پژوهشی، بازارگرایی و غیره سروکار دارند. آنجا که نظام‌های آموزش عالی پیشرفته‌تری وجود دارد و شاخص‌هایی چون نوآوری و شاخص توسعه انسانی و امید به زندگی و شاخص کیفیت تولیدات علمی بالاتر است. معمولاً مردم مشارکت بیشتری در تامین مالی آموزش عالی دارند. در این کشورها در ارزیابی آموزش عالی بجز دولت نهادهای دیگر هم دخالت

- Iranian Higher Education*, 5(4), 137{In Persian}. URL: <http://ihej.ir/article-۱-۵۸۹-fa.html>
- [8] Mosadeghrad, A (2022). **A practical model for health policy making and analysis**, *Payesh*, 21(1), 7-24. {In Persian}. <https://doi.org/10.52547/payesh.21.1.7>
- [9] Le Thanh Khoi (1998) **Comparative Education**, translated by Mohammad Yamini Dozi Sorkhabi, Samt Publications 2018. {In Persian}.
- [10] Khorsandi Taskoh, A (2017). **Critical policy analysis: the missing link of policy research in Iran's higher education policymaking**. Proceedings of the first policy conference in Iran's higher education {In Persian}.
- [11] Chapman, B., & Greenaway, D. (2006). **Learning to live with loans? International policy transfer and the funding of higher education**. *World economy*, 29(8), 1057-1075. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9701.2006.00822.x>
- [12] Education Policy (2022). At <https://www.rand.org>. Retrieved 2022-06-07.
- [13] Wilson, Harold E. (1978). **Social Engineering in Singapore: Educational Policies and Social Change, 1819-1972**. Institute of Southeast Asian studies. Singapore University Press. Retrieved 24 November 2021
- [14] Altbach, P (2009) **Trends in Global Higher Education: Tracing an Academic Revolution**, translated by Mohammad Reza Saeedabadi and Parveen Ahmad Khanlou, Higher Education Research and Planning Institute, 2013
- [15] Keykha, A, Zakersalehi, Gh (2021). **Comparative Representation of the Vision and Policies of Higher Education Institutions in Seven Countries**. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 7(16), 117-151. {In Persian}. <https://doi.org/10.22080/SSI.2021.3136>
- [16] Mohamadi, R, Zamanifar, M & Sadeghimandi, F (2016). **Evaluation and Quality Assurance in Higher Education: A Voluntary or Mandatory Process?** *Journal of Measuring and Educational Evaluation Studies*, 6(14), 165-201. {In Persian}. URL: https://jresearch.sanjesh.org/article_22176.html?lang=fa
- [17] Mirhosseini, A., Mohamdi Doostar, H (2008). **A comparative investigation of academic promotion criteria in higher**. *Journal of Science & Technology Policy*, 1(3), 91-106 {In Persian}. <https://doi.org/20.1001.1.20080840.1387.1.3.8.8>
- [18] Kanjo, K. A., Haqhani, M., Abolghasimi, M., Ghahramani, M., & Nazari Hashemi, S. R. (2022). **A Comparative Study of Higher Education Development in Afghanistan, Iran and Turkey**. *Iranian Journal of Comparative Education*, 5(4), 2164-2182. <https://doi.org/10.22034/IJCE.2022.326825.1386>
- [19] ZakerSalahi, Gh., Keykha, A. (2019). **A Comparative Study in Higher Education Goals of Certain Countries**, *Iranian Journal of Comparative Education*. 2(3), 346-361. <https://doi.org/10.22034/IJCE.2020.103836>
- [20] Canhilal, S. K., Lepori, B., & Seeber, M. (2016). **Decision-making power and institutional logic in**

نظر گرفت. از منظر امکان‌پذیری بومی‌سازی سیاست‌ها بالاترین رتبه مربوط سرمایه‌گذاری و نوآوری در نظام فنی و حرفه‌ای، توسعه برنامه‌های آموزشی و درسی بین‌المللی و ایجاد فرهنگ نوآوری در دانشگاه‌ها است. موارد فوق برای پیگیری و پیاده‌سازی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت توصیه می‌شوند.

تعارض منافع

نویسندگان تعهد می‌کنند که هیچ تعارض منافی در این مقاله وجود نداشته‌است. این مطالعه با حمایت موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی انجام شده است.

References

- [1] Hamdan, A., Sarea, A., Khamis, R., & Anasweh, M. (2020). **A causality analysis of the link between higher education and economic development: empirical evidence**. *Heliyon*, 6(6). <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e04046>
- [2] Khalafkhani, M (2013). **Comparative study of methods of government support for Public and private higher education**. *Iranian Higher Education*, 5(4), 83. {In Persian}. URL: <http://ihej.ir/article-۱-۵۸۷-fa.html>
- [3] Ghanavati, F. & Mashayekh, J. (2022). **Methodological Foundations in Comparative Studies of Science, Technology and Innovation Policy in Iran**. *Journal of Science & Technology Policy*, 15(2), 93-108. {In Persian}. <https://doi.org/10.22034/JSTP.2022.13944>
- [4] Keykha, A. & Zakersalehi, Gh (2021). **Comparative Evaluation of Macro-Higher Education Policies of Selected Countries**. *Journal of Measuring and Educational Evaluation Studies*, 11(33), 71-90. {In Persian}. <https://doi.org/10.22034/EMES.2021.247579>
- [5] Dinmohammadi, M., Narimani Bonab, M & Ghorbani, F (2018). **Simulation of Changes in the Supply and Unemployment of Highly Educated Population in 2016- 2025**, *Journal of Economic Research*, 53(124), 569-595. {In Persian}. <https://doi.org/10.22059/JTE.2017.225192.1007458>
- [6] Keykha, A., Ezati, M. (2021). **Identifying factors hindering ecosystem development, entrepreneurship, entrepreneurial university**. *Innovation Management Journal*, 10(2), 55-84{In Persian}. <https://doi.org/20.1001.1.23225386.1400.10.1.3.8>
- [7] Razagh Marandi, H, Rahimzade, Kh & Ghorban Khaje, O (2013). **Institutional autonomy in the Iranian public universities affiliated with the Ministry of Science, Research and Technology**.

- [24] World Population Review (2022). At <https://worldpopulationreview.com/countries/by-gdp>
- [25] The Global Economy (2022). At <https://www.theglobaleconomy.com>
- [26] United Nations Development Programme (2022). At <https://hdr.undp.org/>
- [27] Scimago (2022). At <https://www.scimagojr.com/countryrank.php>
- [28] Miremadi, S. I. (2019). **National Innovation System and Its Role in Improving Science, Technology and Innovation Policies**. *Journal of Science & Technology Policy*, 11(2), 135-154. {In Persian}. <https://doi.org/20.1001.1.20080840.1398.12.2.10.5>
- [29] ZakerSalahi, Gh., Keykha, A. (2022). **Comparative study of goals, perspectives and policies of higher education in selected countries and its lessons for Iran (third wave)**. Tehran: Higher Education Research and Planning Institute {In Persian}.
- higher education institutions: A comparative analysis of European universities. In Towards a comparative institutionalism: Forms, dynamics and logics across the organizational fields of health care and higher education.** Emerald Group Publishing Limited.
- [21] Triventi, M. (2013). **Stratification in higher education and its relationship with social inequality: A comparative study of 11 European countries**. *European sociological review*, 29(3), 489-502. <https://doi.org/10.1093/esr/jcr092>
- [22] Capano, G. (2011). **Government continues to do its job. A comparative study of governance shifts in the higher education sector**. *Public Administration*, 89(4), 1622-1642. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9299.2011.01936.x>
- [23] Finfgeld-Connett, D., & Johnson, E. D. (2013). **Literature search strategies for conducting knowledge-building and theory-generating qualitative systematic reviews**. *Journal of advanced nursing*, 69(1), 194-204. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2012.06037.x>